

حضرت آیت‌الله جنتی «دام عزه»

دبیر محترم شورای نگهبان

سلام علیکم؛

پیرو نامه شماره ۳۳۳۳ مورخ ۱۳۸۶/۷/۲۴، موضوع «لایحه اصلاح موادی از قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران و اجراء سیاست‌های کلی اصل چهل و چهارم (۴۴) قانون اساسی» نتایج حاصل از بررسی‌های به عمل آمده، تحت عنوان «بخش دوم گزارش» مشتمل بر ماده (۳۵) لغایت (۹۱) به انضمام مواد چهارگانه الحاقی به لایحه، به ترتیب عنوان، فصول، مواد، تبصره‌ها و بندهای مندرجه به شرح زیر، جهت استحضار تقدیم می‌گردد.

فصل ششم: توزیع سهام عدالت

ماده ۳۵-

- عبارت «مجاز است» در سطر ۲ از صدر ماده (۳۵) به لحاظ دلالت بر تخییر - نه تکلیف - از این حیث که آیا منطبق با سیاست‌های ابلاغی می‌باشد یا خیر؟ محل تأمل است.

۱- ۳۵- بند (ب) ماده ۳۵- از این حیث که به موجب جزء (۱۱) از بند (ب) سیاست‌های کلی و اجزاء (۳) و (۷) از جوائیه مقام معظم رهبری به درخواست ریاست محترم جمهوری، به ترتیب قید سه دهک و دو دهک پایین درآمدی، مورد تصریح قرار گرفته، لکن بند (ب) ماده (۳۵) این لایحه، که مورد واگذاری را به چهار دهک بعدی جامعه، تعمیم و تسری داده، به نظر مغایر با نصوص سیاست‌های ابلاغی می‌باشد. مضافاً اینکه با تعریف «شرکت تعاونی فراگیر ملی»، موضوع بند (۱۰) از ماده (۱) همین لایحه که ظاهراً فقط سه دهک پایین درآمدی را مشمول قانون می‌داند تعارض دارد.

۲- ۳۵- با فرض بند (ب) ماده ۳۵، چون دوره تقسیط ۱۰ ساله فقط برای دو دهک اول منظور گردید، لذا توسعه دامنه شمول قانون به چهار دهک بعدی، مغایر با جزء (۳) جوائیه می‌باشد.

۳- ۳۵- با فرض قبول بند (ب) ماده ۳۵، عبارت «تا ... حسب مورد» چون به لحاظ زمانی شامل حداقل زمان ممکن الی ۱۰ سال می‌باشد به جهت اشتغال بر تفسیر موسّع، باعث تبعیض ناروا و

مغایر با بند (۹) اصل ۳ قانون اساسی خواهد شد.^۱

۴-۳۵- در تبصره (۲) از ماده (۲۱)^۲ همین لایحه، اولاً: واگذاری از طریق مذاکره را نسبت به شرکت‌های تعاونی فراگیر ملی و سهامی عام مجاز دانسته، ثانیاً: به موجب بند (۱۰) از ماده (۱) همین لایحه، تعاونی‌های فراگیر ملی صرفاً برای فقرزدایی از سه دهک پایین درآمدی، قابل تشکیل است، بنابراین تبصره (۱) ماده (۳۵) از این حیث که بورس را مبنای منحصر در قیمت‌گذاری می‌داند ضمن اینکه این قید، منطبق با بند (۲) از جوابیه مقام معظم رهبری به درخواست ریاست جمهوری بوده، لکن به نظر مغایر با مندرجات پیش گفته در لایحه یا مخصّص آن می‌باشد. نیاز به بررسی اعضای محترم شورا دارد.

۵-۳۵- تبصره (۳) ماده ۳۵- از این حیث که تعیین ضابطه و معیار جهت تشخیص هر یک از دهک‌های درآمدی و دیگر اقشار مشمول قانون، آیا بدون نیاز به قانون، از طریق مصوبه دولت امکان‌پذیر است یا خیر؟ محلّ تأمل است.

ماده ۳۶-

۱-۳۶-۲

۲-۳۶- اطلاق واژه «شرکت‌های سهامی» در سطر ۳، به لحاظ شمول بر «شرکت‌های سهامی خاص» با امعان نظر به جزء (۹) از بند (ب) سیاست‌های ابلاغی به نظر واجد ابهام می‌باشد.

۳-۳۶- چنانچه مقصود از «شرکت سهامی» از مصادیق «تعاونی‌های متعارف» باشد، به موجب بندهای ۸ و ۱۰ از ماده (۱) این لایحه، شمول قانون تجارت بر آن فاقد اشکال است، لکن اگر مقصود، «شرکت تعاونی سهامی عام» باشد، در این صورت طبق بند (۹) ماده (۱) این لایحه، به لحاظ تسری قانون تجارت بر آن، باید قائل به تفصیل شد. علیهذا مشخص نبودن هویت شرکت، مانع از تعیین

^۱ ضمناً این نظر هم هست که چون چهار دهک بعدی، متمایل به اقشار متوسط جامعه بوده و این اقشار برخلاف دو دهک اول، از سطوح درآمدی و قدرت خرید متفاوتی برخوردار می‌باشند، لذا نباید از یک حکم ثابت پیروی نمایند و اعمال تقسیط متناسب با سطوح درآمدی و قدرت خرید آنان، به عدالت نزدیک‌تر و حذف حرف تا باعث دامن زده شدن به بی‌عدالتی می‌گردد.

^۲ ایرادات وارده به ماده (۲۱) لایحه، در گزارش بخش اول، به تفصیل جهت استحضار تحریر یافت.

^۳ چنانچه بند (ب) از ماده ۳۵ - ناظر بر چهار دهک بعدی - قابل حذف تشخیص داده شود، نشانه «ب» مندرج در صدر ماده (۳۶) حذف و عبارت باید اصلاح گردد.

قانون حاکم می‌گردد که از این حیث موضوع مواجه با ابهام است.

ماده ۳۷-

تبصره‌های (۱) و (۲) ماده ۳۷- هر چند که مندرجات جوابیه مقام معظم رهبری به درخواست ریاست جمهوری، به ویژه جزء (۳) از بند(ب) سیاست‌های ابلاغی، در صدد شمارش تمثیلی حمایت‌های دولت به بخش تعاونی است، لکن در خصوص مالیات به تخفیف مالیاتی تصریح دارد نه به معافیت و بخشودگی کامل، از این حیث به نظر می‌رسد معافیت‌های مالیاتی مندرج در تبصره‌ها، به دلیل توسعه دامنۀ شمول معافیت‌ها علاوه بر مغایرت با سیاست‌های ابلاغی به دلیل عدم پیش‌بینی آن در لایحه دولت، به نظر مغایر با اصل ۷۵ قانون اساسی می‌باشد.

فصل هفتم - هیأت واگذاری و وظایف آن

ماده ۴۰-

بند (۳) ماده ۴۰-^۱

ماده ۴۱-^۲

^۱ در خصوص جایگزینی عبارت: «معاون نظارت و راهبردی ریاست جمهوری» به جای عنوان بند(۳)، علی‌رغم طرح موضوع در مجلس، نمایندگان با این استدلال که «سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی» چون به موجب قانون تشکیل یافته و انحلال آن خارج از چارچوب قانون مواجه با ابهام است از اینرو رأی به جایگزینی ندادند، لذا عنوان سابق، کماکان به قوت خود باقی مانده است.

^۲ واژه‌های «تهیه» و «تصویب» در صدر بندهای ماده(۴۱) و دیگر مواد مربوطه به جهت زیر دارای ابهام می‌باشد:

اولاً: به موجب تبصره(۱) ذیل بند(۵) ماده(۱۷) این لایحه، پیشنهادهای هیأت واگذاری در خصوص اعمال مشوق‌های مالی و ...، منوط به تصویب آن توسط شورای عالی اجراء سیاست‌های... می‌باشد.

ثانیاً: به موجب تبصره(۱) ذیل بند(۱۵) ماده(۴۱) لایحه، به نظر می‌رسد شأن هیأت واگذاری محدود به تهیه پیش‌نویس‌ها و ارسال به شورای عالی... جهت تصویب باشد.

ثالثاً: صدر بندهای (۷)، (۱۰)، (۱۱)، (۱۲)، (۱۳)، (۱۴) و (۱۵) ماده(۴۱) متضمن کلمه «تصویب» بیانگر دو معنی است: یا نشانه آن است که شأن هیأت بالاتر از صرف تهیه پیش‌نویس می‌باشد، یا با قائل شدن به تفصیل، شأن هیأت را در خصوص موارد احصاء شده شأن «مصوب» می‌داند.

اظهار نظر: بنا به مراتب فوق، به نظر می‌رسد نسبت هیأت واگذاری با شورای عالی اجرایی سیاست‌های... نسبت مدیرعامل است با هیأت مدیره، بنابراین اقتضاء دارد شأن هیأت واگذاری، شأن اجرائی و شأن شورای عالی، شأن سیاستگذاری باشد، علی‌هذا شایسته است ترتیبی اتخاذ شود تا جهت رعایت نظم و اجتناب از تداخل در وظایف و اختیارات، کلمه «تصویب» در صدر بندهای پیش گفته ذیل ماده(۴۱) به واژه «تهیه» بدل و عبارات اصلاح گردد.

۴۱-۱- بند (۱۱) ماده ۴۱- عبارت «تصویب قیمت موارد واگذاری» در مغایرت صریح با جزء (۱) الزامات واگذاری مندرج در ذیل بند (ج) سیاست‌های ابلاغی و مغایر با تبصره (۱) بند (ب) ماده (۳۵) این لایحه ناظر بر قیمت‌گذاری از طریق بورس و مآلاً در تعارض با روش‌های سه‌گانه تقویم در ماده (۲۱) همین لایحه می‌باشد.

فصل هشتم - شورای عالی اجرای سیاست‌های کلی اصل چهارم قانون اساسی و

وظایف آن

ماده ۴۲-

پیش‌درآمد

هر چند که به موجب تفکیک قوا (موضوع اصل ۵۷) و اصول ۶۰، ۱۱۳، ۱۲۲، ۱۳۷ و ...، «قوه مجریه ... از طریق رئیس‌جمهور و وزراء اعمال می‌گردد، و حسب پاراگراف میانی اصل ۱۳۸، «... دولت می‌تواند تصویب برخی از امور مربوط به وظایف خود را به کمیسیون‌های متشکل از چند وزیر و اگذار نماید...»، لکن به نظر می‌رسد «شورای عالی اجراء سیاست‌های...» با عنایت به تعداد و ترکیب اعضاء، به گونه‌ای که تماماً با برخورداری از حق رأی دارای عضویت در شورا باشند، به نظر خارج از شمول وصف و عنوان «کمیسیون‌های متشکل از چند وزیر» مصرح در اصل ۱۳۸ قانون اساسی بوده باشد. مضافاً اینکه، علاوه بر اصول قانون اساسی، به موجب مصرحات مندرج در سیاست‌های ابلاغی مقام معظم رهبری، اولاً: «اعمال نقش حاکمیتی...» (جزء ۷ از بند ب)، ثانیاً: «تدوین سیاست‌گذاری، هدایت و نظارت بر اقتصاد ملی» (جزء ۶ از الزامات واگذاری مندرج در ذیل بند ج)، ثالثاً: «تداوم اعمال حاکمیت عمومی... از طریق سیاست‌گذاری و...» (جزء ۱ بند ه) تماماً از حقوق ذاتی «دولت» محسوب و غیرقابل واگذاری به غیر تلقی می‌گردد، به عبارت دیگر، با عنایت به تصریحات مقام معظم رهبری، چون اختیارات و وظایف ذاتی مزبور به نظر منصرف از «... برخی از امور مربوط به وظایف...» مندرج در اصل ۱۳۸ قانون اساسی می‌باشد، لذا دولت مجاز به واگذاری تصویب آن به «کمیسیون‌های متشکل از چند وزیر» نمی‌باشد، چه رسد به اینکه این اختیارات را به شورائی تفویض نماید که از حیث تعریف، منطبق با عنوان کمیسیون مذکور در اصل ۱۳۸ نبوده باشد.^۱

- استندراک: چنانچه «هیأت واگذاری» مقام تصویب نباشد، در این صورت واژه «تصویب» در ذیل تبصره ماده (۳۱) همین لایحه، محل اشکال بوده و مستلزم اصلاح خواهد بود.

^۱ بنا به مراتب فوق، شایسته است تا در ماده (۴۲) لایحه:

ماده ۴۳-

۴۳-۱- بندهای (۱)، (۶) و (۷) ماده ۴۳- با عنایت به مشروح مطالب مذکوره در بالا، به نظر بندهای (۱)، (۶) و (۷) از حیث تقنینی بودن علاوه بر مغایرت با اصل ۸۵ به نظر مغایر با سیاست‌های ابلاغی به شرح مذکور در ذیل ماده (۴۲) می‌باشد.

۴۳-۲- بند (۲) ماده ۴۳- به موجب بند (۲) از اصل ۱۱۰ قانون اساسی «نظارت بر حسن اجرای سیاست‌های کلی نظام» از جمله وظایف و اختیارات رهبری است. وفق ذیل اصل مزبور، «رهبر می‌تواند بعضی از وظایف و اختیارات خود را به شخص دیگری تفویض کند».

با عنایت به بند (۲) از صدر سیاست‌های کلی اصل ۴۴ که مقرر می‌دارد: «نظارت مجمع تشخیص مصلحت نظام بر حسن اجرای این سیاست‌ها ... مورد تأکید است» به نظر می‌رسد با توجه به اعطاء حق نظارت به مجمع، بند (۲) ذیل ماده (۴۳) لایحه، علی‌رغم پیش‌بینی ماده (۸۹) لایحه، از حیث نظارت مجمع، در تعارض با مندرجات سیاست‌های ابلاغی باشد، ضمن اینکه در موارد عدیده در متن سیاست‌های ابلاغی، اعمال نظارت در کنار سیاست‌گذاری و هدایت برای دولت نیز مورد تأکید مقام معظم رهبری قرار گرفته است، از حیث وجود تعارض موضوع نیازمند بررسی اعضاء محترم شورا می‌باشد.

فصل نهم - تسهیل رقابت و منع انحصار

ماده ۴۴-

الف - در راستای جلوگیری از تداخل قوا و حفظ استقلال و اقتدار قوه مجریه، مقامات مذکور در بندهای (۹)، (۱۰)، (۱۱)، (۱۲) و (۱۳) بدون حق رأی و صرفاً به عنوان ناظر مجاز به عضویت در شورا باشند. این امر برای نمایندگان مجلس (موضوع بند ۱۳) از اهمیت بیشتری برخوردار است؛ زیرا امور اجرایی مربوط به قوه مجریه بوده و مجلس مجاز به دخالت در آن نمی‌باشد، تا چه رسد به سه نفر از نمایندگان که با دارا بودن حق رأی باشد، چرا که در این صورت رأی آنان موجب تعمیم و تسری به کل مجلس خواهد بود. این امر به آن معنی است که علاوه بر نقض اصل تفکیک قوا، گویا مجلس حق هرگونه تحقیق و تفحص، سؤال و استيضاح (موضوع اصول ۷۶، ۸۸، ۸۹ قانون اساسی) را از خود سلب نموده و این سلب، مغایر با اصول قانون اساسی به عنوان قوانین آمره می‌باشد.

ب - از جهت اجتناب از تضعیف قوه مجریه، اقتضاء دارد تا دیگر مقامات مندرج در ردیف‌های (۱۴) الی (۱۹) نیز بدون حق رأی و به عنوان مشاور مجاز به عضویت در شورا باشند.

- مندرجات تبصره (۲) ماده (۴۲) از این حیث که اجرائی شدن تصمیمات شورا را در تمام موارد، منوط به تأیید رئیس‌جمهور نموده، به نظر چندان رافع اشکالات مطروحه در فوق نخواهد بود.

پیش درآمد

فصل نهم متضمن ۴۲ ماده، مشتمل بر مواد ۴۴ لغایت ۸۵ این لایحه بوده و بخش عمده این مواد متضمن بار قضائی ناظر بر جرم و مجازات و تخلف و تنبیهات می‌باشد. از این حیث که به موجب ماده (۴۴)، مقررات جزائی و تنبیهات اداری پیش‌بینی شده در فصل نهم این لایحه، قابل تسری به اشخاص حقیقی و حقوقی شاغل در بخش خصوصی گردیده، محل تأمل است.

توضیحات به تناسب هر یک از مواد مندرج در این فصل، ذیلاً جهت ملاحظه تحریر می‌یابد.

XXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXX

ماده ۴۵-

از میان مصادیق چهارگانه تبانی به شرح مندرج در بین دو ابرو () به نظر می‌رسد تبانی از طریق قرارداد، توافق و یا تفاهم عملی به دلیل عدم ارائه تعریف، مفهوماً و مصداقاً مواجه با ابهام می‌باشد.^۱

ماده ۴۶-

۱-۴۶- جزء (۱) از بند (الف) ماده ۴۶- استنکاف به عنوان ترک فعل از حیث اینکه چگونه باعث اخلال شده و جرم تلقی می‌گردد؟ به نظر مبهم، و چون باعث اجبار افراد به کار معین و منتهی به تحدید آزادی‌های مشروع اشخاص به ویژه، اشخاص فعال در بخش خصوصی می‌گردد، لذا مغایر با حکم ذیل اصل ۹ و بند (۴) از اصل ۴۳ قانون اساسی خواهد بود.

۲-۴۶- بند (ب) ماده ۴۶- ممنوعیت عرضه یا تقاضای کالا یا خدمت به قیمت‌های متفاوت نسبت به طرف‌های معامله، حداقل از سوی اشخاص حقیقی بخش خصوصی و در جایی که موجب اضرار به دیگران نباشد، به نظر مغایر با اصل ۷۲ قانون اساسی می‌باشد.

۳-۴۶- بند (ج) ماده ۴۶- تعیین چگونگی شرایط معامله نسبت به اشخاص مختلف از سوی اشخاص حقیقی بخش خصوصی، از اختیارات آنها مطابق با قاعده تسلیط و نفی آن (حداقل در

^۱ **ملاحظه:** ممکن است یک تولیدکننده یا ارائه‌کننده خدمتی در یک جایی از ایران، قیمت کلایش را کاهش دهد و به یک حله معینی برساند، بلافاصله شخصی دیگر یا رقیب وی هم، همین اقدام را در گوشه دیگر ایران انجام دهد، این کار ممکن است از حیث نتیجه، باعث به انحصار درآمدن بازار و مانع رقابت سالم شود ولی در اینکه آیا نفس تبانی با سبق تصمیم بین دو یا چند تولیدکننده و ارائه‌کننده خدمت یا خدمات، تحقق یافته تلقی و قابل احراز می‌باشد تا بتوان تحت عنوان جرم، موضوع را تحت تعقیب و مجازات قرار داد؟ به نظر از حیث عدم امکان احراز عنصر معنوی یا روانی جرم، موضوع مواجه با ابهام، ضمناً به نظر در مغایرت با برائت مصرح در اصل ۳۷ قانون اساسی باشد.

موادی که موجب اضرار به دیگران نباشد) با توجه به اطلاق عبارت «شرایط تبعیض آمیز» و «معامله» به نظر مغایر با اصل ۷۲ قانون اساسی به نظر می‌باشد.

۴۶-۴ جزءهای (۱) و (۳) بند(و) ماده۴۶- احکام مذکور در این بند به نظر مغایر اصل ۷۲ قانون اساسی می‌باشد.^۱

۴۶-۵ بند(ز) ماده۴۶- عبارت «از جمله» مندرج در سطر ۲ ذیل بند(ز) از این حیث که باعث تفسیر موسّع و توسعه غیرقانونی عناوین جرم و موجب جرم‌انگاری می‌گردد، لذا مبهم و مغایر با سیاست‌های کلی نظام در امر قضاء، ناظر بر جرم‌زدایی و در مغایرت با اصول ۳۶ و ۱۶۶ قانون اساسی خواهد بود.

۴۶-۶ بند(ح) ماده۴۶- عبارت «یا روش‌های مشابه دیگر» دارای همان ایرادات بند(ز) مذکور در بالا می‌باشد.

۴۶-۷ جزء(۲) بند(ط) ماده۴۶- عبارت «غیرمنصفانه» مبهم و ضابطه آن مشخص نیست.

۴۶-۸ جزء(۳) بند(ط) ماده۴۶- ممنوعیت صرف تحدید مقدار عرضه و به ویژه تقاضا برای کاهش یا افزایش قیمت بازار، بدون تقید آن به شرایطی از قبیل اضرار به غیر یا قصد سوء، با توجه به دامنه شمول مذکور در ماده ۴۴ مصوبه، به نظر مغایر با اصل ۷۲ قانون اساسی می‌باشد.^۲

۴۶-۹ جزء(۵) بند(ط) ماده۴۶- ادخال هر نوع شروط مشروع در ضمن عقد در قراردادهای مقتضای آزادی اراده متعاملین بوده و ممنوع کردن آن حداقل در خصوص اشخاص حقیقی خصوصی، در صورت خلاف شرع بودن، به نظر مغایر با اصل ۷۲ قانون اساسی می‌باشد.

۴۶-۱۰ صدر جزء(۶) از بند(ط) ماده۴۶- عبارت «تملك سرمایه و سهام شرکت‌ها» از حیث اطلاق عبارت، چون اعم از آن است که مسبوق به قصد و انگیزه مجرمانه باشد یا خیر؟ لذا دارای ابهام و دیگر مغایرت‌های پیش گفته در خصوص ماده(۴۵) این لایحه می‌باشد.

^۱ مفاد بندهای فوق و برخی دیگر از بندهای قبلی، به نظر مقتبس از مکروهاتی است که در آداب معاملات، اجتناب از آنها توصیه می‌گردد، لذا درج آن در متون قانونی به گونه‌ای که متضمن الزامات قانون گردد، به نظر دارای وجهت چندانی نمی‌باشد.

^۲ مضافاً اینکه تحدید، به دلیل معده بودن از علل ناقصه و مقدمه وقوع جرم است، در اینکه آیا در خصوص مورد، مقدمه جرم، جرم و به موجب ماده ۶۲ این لایحه مستوجب کیفر باشد؟ به نظر محل تردید است. نیاز به بررسی اعضاء محترم شورا دارد.

۱۱-۴۶- جزء (۱) از بند (ک) ماده ۴۶- عبارت «و نظائر آن» چون امکان تفسیر موسّع به ضرر متهم را دارد مبهم و مغایر با قوانین آمره پیش گفته (اصول ۳۶ و ۱۶۶ قانون اساسی)، مرتبط با ماده (۴۶) این لایحه می‌باشد.

ماده ۴۷-

۱-۴۷- اولاً: دو واژه «شرکت» و «بنگاه» در صدر ماده اعم است از دولتی و غیردولتی، لذا دارای ابهام است.

ثانیاً: ماده (۴۴) این لایحه تمامی اشخاص حقیقی و حقوقی هر دو بخش فوق را مشمول مواد این فصل می‌داند، بنابراین کارکنان دستگاه‌های عمومی و دولتی، حتی چنانچه به قصد خیرخواهانه هم تصدی همزمان در بیش از یک دستگاه را عهده‌دار بشوند، مشمول ممنوعیت اصل ۱۴۱ قانون اساسی شده، لذا ماده (۴۷) لایحه از این حیث دارای ابهام و مغایر با اصل مزبور می‌باشد.

۲-۴۷- گسترش دامنه محدودیت مذکور در ماده به دلیل منوط کردن به یک امر ذهنی (هدف ایجاد محدودیت یا اخلال) متضمن تجویز تفسیر موسّع از جرم‌انگاری و مغایر با برائت موضوع اصل ۳۷ و به دلیل تحدید آزادی‌های مشروع افراد، مغایر با بند (۴) اصل ۴۳ و صدر اصل ۲۸ قانون اساسی می‌باشد.

ماده ۴۸-

۱-۴۸- صدر ماده ۴۸-^۱

۲-۴۸- عبارات «به نحوی تملک کند» چون تعریف نشده، لذا مفهوماً و مصداقاً دارای ابهام است.
۳-۴۸- بند (۱) ماده ۴۸- عبارت «مادامی که...» از این حیث که مانع از اعمال، اجراء و استیفاء کامل حقوق مشروع افراد می‌گردد، مشمول مغایرت‌های پیش گفته (۲-۴۷ این گزارش) و از جهت متعارض بودن با قاعده تسلیط، به نظر مغایر با اصل ۷۲ قانون اساسی خواهد بود.

۴-۴۸- بند (۲) ماده ۴۸- عبارت «مشروط...» از این حیث که مرتهن به دلیل دارا بودن حقوق عینی نسبت به مال مرهونه، مجاز به اعمال و استیفاء همه‌جانبه حقوق می‌باشد، عبارت مورد اشاره،

^۱ عبارات صدر ماده (۴۸)، عیناً تکرار جزء (۶) ذیل بند (ط) از ماده (۴۶) همین لایحه می‌باشد که درج دوباره آن مغایر با شیوه قانونگذاری است. در خصوص موضوع قبلاً اظهار نظر به عمل آمد. (ص ۸ این گزارش)

علاوه بر مخالف بودن با قاعده تسلیط، مستلزم اضرار به مرتهن صاحب حق بوده، لذا در مغایرت با اصول ۴۰ و ۷۲، بند (۵) اصل ۴۳ و مشمول مغایرت‌های پیش گفته (۲-۴۷ این گزارش) خواهد بود.

۴۸-۵- بند (۳) ماده (۴۸)-^۱

ماده ۴۹-

۴۹-۱- بند (۱) ماده ۴۹- ایرادات ماده (۴۶) (مذکور در قبل) از جهت اناطه ممنوعیت ادغام به حصول موارد آن ماده، متوجه بند (۱) ماده (۴۹) نیز می‌باشد.

۴۹-۲- تبصره (۲) ماده ۴۹- از این حیث که تعیین دامنه شمول تمرکز شدید، به لحاظ توسعه و تضییق، نیازمند قانون است لذا تفویض این امر به شورای رقابت، مغایر اصل ۸۵ قانون اساسی می‌باشد.

ماده ۵۰-

۵۰-۱- از این حیث که بنگاه‌ها را مخیر می‌کند از شورای رقابت کسب تکلیف کنند تا اعلام نمایند آیا انجام شقوق سه‌گانه (۱)، (۲) و (۳) ماده ۴۸ یا شقوق چهارگانه ماده (۴۹) احتمالاً باعث اخلال در رقابت، اعمال حق رأی، ایجاد تمرکز و... می‌گردد یا خیر؟ نوعی احاله به امری موهوم و مجهول و از این حیث دارای ابهام است.

۵۰-۲- واژه «پیام مطمئن» از حیث مصداق، نامشخص و مبهم است.

ماده ۵۱-^۲

ماده ۵۲-

بندهای (ب) و (ج) ماده ۵۲- امور اعطائی به شورای رقابت از حیث متضمن بودن ماهیت قضائی به نظر مغایر با اصول ۵۷، ۶۱ و بند (۱) اصول ۱۵۶ قانون اساسی می‌باشد.

ماده ۵۳-

^۱ معاملات یا تملکات ناشی از اضطرار، موضوع ماده (۲۰۶) قانون مدنی است که در مقابل اکراه قرار می‌گیرد، در حالی که گویا، نظر قانونگذار از درج کلمه اضطرار تملکات قهری ناشی از ارث است که موضوع بند (۴) از ماده (۱۴۰) قانون مدنی می‌باشد. علیهذا به دلیل وجود ابهام در کلمه اقتضاء دارد واژه «قهری» جایگزین واژه «اضطراری» گردد.

^۲ مندرجات ماده مغایر با اطلاق و عموم ماده (۴۴) همین لایحه است مگر آنکه ماده (۵۱) را مخصّص آن دانسته که به لحاظ شیوه قانونگذاری ذکر خاص بعد از عام در متن یک لایحه و ذیل یک فصل، قدری ناپسند است. حداقل اقتضاء دارد تا ماده (۵۱)، به عنوان تبصره، ذیل ماده (۴۴) درج گردد.

۱-۵۳- عبارت ماده، از حیث چگونگی احراز اعطای امتیاز و کمک به فلان بنگاه که منتهی به تسلط یا اخلال می‌گردد، نامشخص بوده، لذا به دلیل فقدان ملاک‌های تعیینی، مواجه با ابهام است.^۱

ماده ۵۴-

۱-۵۴- جزء (۷) ذیل بند(الف) ماده ۵۴- ملاحظه:^۲

۲-۵۴- تبصره (۱) ذیل بند(الف) ماده ۵۴- تذکر:^۳

۳-۵۴- تبصره ذیل بند(ب) ماده ۵۴- تذکر:^۴

ماده ۵۵-

۱-۵۵- با عنایت به اینکه مؤسسه پیش‌بینی شده در این ماده قبلاً در لایحه «مقررات تسهیل‌کننده رقابت...» تقدیمی دولت به مجلس نبوده، به لحاظ اشتغال بر بار مالی، مغایر اصل ۷۵ قانون اساسی است.^۵

۲-۵۵- تبصره (۱) ماده ۵۵- هر چند که هویت سازمانی «شورای رقابت» در ماده (۵۴) نامشخص و از این حیث مبهم است، لکن در صورت دولتی بودن شورای رقابت، تصدی همزمان رئیس شورای رقابت در مرکز ملی رقابت، چون این مرکز، مؤسسه دولتی مستقلی است مغایر با اصل ۱۴۱ قانون اساسی خواهد بود.

۳-۵۵- تبصره (۱) ماده ۵۵ و بند (۴) ماده ۵۶- عبارت «بخش عمومی» اعم است از عمومی دولتی و غیردولتی. بنابراین تصدی همزمان یک فرد به عنوان رئیس شورای رقابت و رئیس مرکز ملی رقابت، با عنایت به مؤسسه دولتی بودن مرکز مزبور (سطر ۲ ماده ۵۵) علاوه بر مغایرت با اصل ۱۴۱ قانون

^۱ این ابهام در مواد قبلی این فصل، به ویژه مواد ۴۷، ۴۸ و ۴۹ نیز کاملاً مشهود است. مضافاً اینکه یکی از دو عبارات مندرج در متن ماده (۵۳)، زاید و حذف بهتر از درج است:

عبارت: «به صورت تبعیض‌آمیز» یا عبارت: «به یک یا چند... رقابت شود»،

^۲ اصلاح راجع به عنوان «سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور» قبلاً تذکر داده شد.

^۳ رقم ۲ بین دو ابرو () به عدد (۳) تغییر یابد.

^۴ با فرض دولتی بودن هویت سازمانی «شورای رقابت» از این حیث که بکارگیری مجدد بازنشستگان آیا مغایر با قوانین و مقررات آمره مانند قانون برنامه چهارم توسعه می‌باشد یا خیر؟ دارای ابهام است و در صورت مغایرت، از لحاظ اصلاح و تغییر قانون برنامه چهارم مغایر با ماده (۲۲۳) قانون آیین‌نامه داخلی مجلس خواهد بود.

^۵ اصلاح راجع به عنوان «سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور» قبلاً تذکر داده شد.

اساسی، موجب مغایرت حکم تبصره (۱) ماده (۵۵) با ممنوعیت بند (۴) ماده (۵۶) خواهد بود.

۴-۵۵- تبصره (۳) ماده ۵۵- حکم تبصره، باعث ترجیح بلا مرجح، تبعیض آمیز و مغایر با بند (۹) از اصل ۳ و اصل ۲۰ قانون اساسی خواهد بود.

ماده ۵۶-

۱-۵۶- بند (۱) ماده ۵۶- اطلاق عبارت «سایر اعضاء شش سال است» چون شامل نمایندگان مجلس می گردد که عضویت آنان در شورای رقابت قائم به سمت نمایندگی می باشد، لذا با عنایت به ۴ ساله بودن دوره نمایندگی آنان (موضوع اصل ۶۳ قانون اساسی) محل تأمل و دارای ابهام است.

۲-۵۶- قسمت اخیر تبصره بند (۴) ماده ۵۶- در صورت دولتی بودن سازمان متبوع اعضاء سه گانه (موضوع بندهای ۸، ۹ و ۱۰ ماده ۵۴)، استثناء اعضای مزبور از شمول حکم بند (۴)، چنانچه سازمان های متبوع اعضاء، دولتی باشد، این استثناء مغایر با اصل ۱۴۱ قانون اساسی خواهد بود.

۳-۵۶- بند (۵) ماده ۵۶- عبارت «و نیز کارمندان مرکز ملی رقابت» به لحاظ نحوه نگارش، از این حیث که آیا مشمول قانون نحوه رسیدگی... می باشند یا مستثنی از شمول قانون؟ مردد و دارای ابهام است.

ماده ۵۷-

۱-۵۷- بند (۱) ماده ۵۷- حکم سلبی مندرج در بند (۱)، ضمن نقض اصول حاکمیت، و از باب قیاس اولویت به نظر مغایر با صدر اصول ۵۷، ۶۰، ۱۱۳، ۱۳۶ و ۱۳۵ قانون اساسی می باشد که اصول مزبور، عزل وزیر یا وزراء را بدون هرگونه قید و شرط، جزء اختیارات رئیس جمهور می داند.

ضمناً تثبیت شغل مورد نظر به موجب اصل ۱۶۴ قانون اساسی صرفاً برای قاضی آن هم به صورت مشروط پیش بینی شده و تسری این حکم به دیگران، موجب توسعه دامنه شمول قانون و در مغایرت با اصل مزبور می باشد.

۲-۵۷- جزء (ب) بند (۱) ماده ۵۷- چون اجزاء (۳) و (۵) از بند (ب) ماده (۵۴) متضمن هیچگونه محکومیتی نمی باشد، لذا علاوه بر ابهام، به نظر استناد به شماره ماده (۵۴)، مبنی بر اشتباه و نیاز به اصلاح دارد.

ماده ۵۹-

۱-۵۹- بند (۱) ماده ۵۹- با توجه به پیش بینی مجازات های مختلف برای رویه های ضد رقابتی در مصوبه، قسمت اول بند مزبور مغایر اصول ۳۶ و ۸۵ و قسمت اخیر آن نیز با توجه به پیش بینی

مواردی از معافیت مالیاتی، مغایر اصول ۵۱ و ۷۵ قانون اساسی به نظر می‌رسد.

۲-۵۹- بند‌های (۲)، (۳) و (۵) ماده ۵۹- شائبه مغایرت با اصل ۶۰ قانون اساسی در خصوص

این بندها وجود دارد.

ماده ۶۰-

با توجه به پیش‌بینی اختیارات اعضای شورای رقابت برای اعضای نهادهای تنظیم‌کننده بخشی در حیطه وظایف تفویض شده، ایرادات وارد بر اختیارات اعضای شورای رقابت که در ماده قبل مطرح شد در خصوص ذیل این ماده نیز وارد به نظر می‌رسد.

ماده ۶۱-

۱-۶۱- هر چند که مجوز تحقیقات و بازرسی طبق صدر تبصره (۱) ماده (۶۱) با حکم قاضی صادر می‌گردد، لکن در اینکه وجود قضات منصوب قوه قضائیه در ترکیب شورای رقابت و هیأت تجدیدنظر (موضوع جزء ۲ ذیل بند الف ماده ۵۴ و جزء الف از بند ۱ ماده ۶۵ این لایحه) آیا مشکل اصول ۳۴، ۵۷، ۶۱ و ۱۵۹ قانون اساسی ناظر بر تفکیک قوا و صلاحیت عام محاکم در رسیدگی به تظلمات و شکایات را مرتفع می‌نماید یا خیر؟ محل تأمل است.

۲-۶۱- بند (الف) و اجزاء (۱) و (۲) بند (ب) ماده ۶۱- اولاً: اعطاء اختیارات وسیع قضایی به شورای رقابت به نظر مغایر با اصول ۳۶، ۵۷، ۱۵۹ و بند‌های (۳) و (۴) اصل ۱۵۶ می‌باشد. ثانیاً: این اختیارات چون منجر به ورود در حیطه مالکیت شخصی افراد نیز می‌باشد، به نظر در مغایرت با اصل ۲۲ قانون اساسی می‌باشد.

۳-۶۱- تبصره (۱) ماده ۶۱-^۱

ماده ۶۲-

۱-۶۲- ملاحظه ۱:^۱

^۱ عبارت «یکی از قضات عضو شورا یا یکی از پنج قاضی که بدین منظور...» دارای ابهام است. چون به موجب بندهای پیش‌گفته در بالا، دو نفر قاضی عضو شورای رقابت و سه نفر عضو هیأت تجدیدنظر، جمعاً پنج قاضی دیوان عالی کشور و منصوب قوه قضائیه می‌باشند، در حاکی که به استناد عبارت فوق، باید تعداد قاضی هفت نفر باشد، لذا از حیث عدد دارای ابهام است. علاوه بر ابهام فوق، به لحاظ سلسله مراتب، اولاً: هیأت تجدیدنظر (موضوع ماده ۶۵ این لایحه) به لحاظ تعداد، ترکیب، اختیارات و هویت سازمانی، دارای هویت مستقل از شورای رقابت (موضوع ماده ۵۴ این لایحه) می‌باشند. ثانیاً: قضات سه‌گانه منصوب در هیأت تجدیدنظر، به لحاظ سلسله مراتب، مجاز به رسیدگی در شورای رقابت نخواهند بود. بنابراین عبارت بالا، از این حیث که متضمن رعایت سلسله مراتب سازمانی نمی‌باشد محل ایراد و اشکال است.

۲-۶۲- ملاحظه ۲:

۳-۶۲- با عنایت به صدر ماده ۴۵ که تمام اشخاص حقیقی و حقوقی را مشمول مواد این فصل می‌داند. بندهای (۶) و (۱۰)، به نظر نوعی مداخله در امور شخصی اشخاص بخش خصوصی بوده و اجبار به عمل آمده به نظر مغایر با بند (۴) از اصل ۴۳ قانون اساسی باشد.

۴-۶۲- بندهای (۱)، (۶)، (۷)، (۹)، (۱۰) و (۱۲) ماهیت قضایی داشته و اعطاء اختیار آن به شورای رقابت به صرف حضور دو قاضی در شورا، به نظر مغایر با اصول ۳۶، ۵۷ و ۱۵۹ می‌باشد.

۵-۶۲- بند (۱۲) ماده ۶۲- اعطاء اختیار تعیین میزان جرائم نقدی به آیین‌نامه مصوب دولت به نظر مغایر با اصول ۸۵ و ۳۶ قانون اساسی می‌باشد.

ماده ۶۳-

۱-۶۳- واژه «تنها» در صدر ماده (۶۳)، از این حیث که شورای رقابت را به قید انحصار «تنها مرجع رسیدگی به...» می‌داند، به نظر مغایر با اصول ۵۷، ۶۱، ۳۴ و ۱۵۹ قانون اساسی می‌باشد.

۲-۶۳- تبصره ماده ۶۳-

ملاحظه: به موجب قوانین جاریه (قوانین ناظر بر دادرسی‌ها در امور مدنی، کیفری و اداری و...) چنانچه در تعیین و احراز صلاحیت بین محاکم از حیث رسیدگی اختلاف نظر حاصل گردد، با رعایت اصل تفکیک قوا (اصل ۵۷) تعیین صلاحیت‌ها با رعایت سلسله مراتب محاکم در مجموعه قوه قضائیه انجام می‌گیرد. مندرجات تبصره، از حیث ارجاع نحوه رفع اختلاف در تعیین صلاحیت‌ها به کمیته، عملاً مصرح بر غیرقضائی بودن نهاد شورای رقابت و هیأت تجدیدنظر (موضوع ماده ۶۵ این لایحه) بوده و به عبارت دیگر، مفاد تبصره بیانگر آن است که وجود یک یا چند قاضی عالی‌رتبه در شورا، تصمیمات شورا را واجد وصف رأی و حکم قضائی ننموده و این تصمیمات، کماکان در حد تصمیمات اداری باقی خواهند ماند. بنابراین، بند (د) ماده (۶۵) این لایحه مغایر با اصول ۵۷، ۶۱، ۳۴ و ۱۵۹ قانون اساسی خواهد بود. علیهذا ایرادات

^۱ چنانچه ابهامات و مغایرت‌های مورد اشاره در مواد (۴۵) لغایت (۴۹) این لایحه وارد تشخیص داده شود، در این صورت، ماده (۶۲) به همراه بندها نیاز به اصلاح خواهد داشت.

^۲ چنانچه شورای رقابت با عنایت به مسئولیت و اختیارات، دارای شأن قضایی یا شبه قضایی باشد، و تصمیمات شورا به موجب ماده (۶۵) این لایحه قابل تجدیدنظر باشد، در این صورت بهتر است، به پیروی از صدر ماده (۶۲)، کلمه دستور در صدر بندها به واژه «تصمیم» بدل گردد.

وارده به میزان اختیارات اعطائی پیش گفته به شورای رقابت و هیأت تجدیدنظر، به نظر خالی از قوت نخواهد بود.

ماده ۶۴-

۱-۶۴- تذکر:^۱

۲-۶۴- تبصره ماده ۶۴- تحمیل هزینه به محکوم علیه به نظر نوعی اجبار و مغایر با بند (۴) اصل ۴۳ قانون اساسی می باشد.

ماده ۶۵-

۱-۶۵- بند (۲) ماده ۶۵- عبارت «و نیز موقعیت شغلی و ضوابط استخدامی و حقوق و مزایای آنان...» از این حیث که متضمن استثناء از شمول قوانین مشابه، به ویژه قانون اخیرالتصویب «مدیریت خدمات کشوری» می باشد، باعث ترجیح بلامرجح، تبعیض آمیز و به نظر مغایر با بند (۹) اصل ۳ و اصل ۲۰ قانون اساسی خواهد بود.

۲-۶۵- بند (د) ذیل جزء (۳) ماده ۶۵- از این حیث که هیأت تجدیدنظر، علی رغم عضویت قضات در آن، دارای هویت اداری است نه قضائی یا شبه قضائی، لذا حکم عبارات مندرجه به نظر مغایر با اصول ۳۴، ۵۷، ۶۱ و ۱۵۹ قانون است.^۲

۲-۶۵- بند (ب) ماده ۶۵- ملاحظه:^۳

ماده ۶۷-

۱-۶۷-^۴

۳-۶۷- ذیل عبارت ماده ۶۷- از این حیث که به صرف پیوست نبودن رونوشت رأی قطعی، و بدون مقید کردن به اخطار رفع نقص، اعتراض، غیرقابل رسیدگی می باشد و نسبت به اشخاص ثالثی

^۱ سطر ۳، عبارت «خارج» به «خارج از کشور» اصلاح گردد.

^۲ توضیحات تکمیلی در خصوص موضوع، ذیل تبصره ماده (۶۳) جهت استحضار، تحریر یافت.

^۳ مندرجات بند (ب)، عیناً همان عبارات تبصره (۲) ذیل ماده (۶۱) این لایحه بوده و ارجاع به تبصره مزبور به نظر بهتر از تکرار می باشد.

^۴ چون مشخص نمی باشد که آیا «تصمیمات شورای رقابت یا هیأت تجدیدنظر» قابل اعتراض در دادگاه می باشد یا «رویه های ضد رقابتی» که توسط اشخاص اتخاذ می گردد؟! لذا، صدر عبارت ماده (۶۷) از این حیث دارای ابهام است. مضافاً اینکه، اگر تصمیمات فوق قابل اعتراض باشد، منطبق با اصول پیش گفته قانون اساسی، لکن در تعارض با بند (د) ماده (۶۵) همین لایحه خواهد بود. نیاز به بررسی اعضاء محترم شورا دارد.

که اصلاً این آراء را در اختیار ندارند، نوعی تکلیف مالایطاق بوده، لذا به نظر علاوه بر مغایرت داشتن با قوانین آمره ناظر بر امور دادرسی‌ها در محاکم، به لحاظ متضمن بودن اضرار، مغایر با صدر بند(۵) از اصل ۴۳ قانون اساسی است.

ماده ۶۹-

۱-۶۹- پاراگراف دوم ذیل بند(۱) ماده ۶۹- چون ممنوعیت مورد اشاره در بند(۱) مقتبس از موارد ردّ دادرسی می‌باشد، بنابراین عبارت «تصمیماتی که بدون... مربوط شود»، از این حیث که: آیا نفس اتخاذ تصمیم باطل و بلااثر است؟ یا مشروط و مقید به آن است که منجر به تحصیل منافی هم گردد؟ لذا اطلاق و اعمّ بودن عبارت، دارای ابهام است. بدیهی است مقید بودن عبارت به قید و شرط، مغایر با ماده(۹۱) استنادی خواهد بود.

۲-۶۹- عبارت «غیرمستقیم» ذیل بند(۱)، ابهام دارد.

ماده ۷۲-

احالۀ امر به آیین‌نامه، با عنایت به متضمن بودن بار و ماهیت قضائی، به نظر مغایر با بند(۲) اصل ۱۵۸ و اصول ۵۷ و ۸۵ قانون اساسی می‌باشد.

مواد ۷۴ و ۷۷-^۱

ماده ۷۸-

تذکر:^۲

ماده ۷۹-

عبارت «هرکس» اعم است از آنکه مأمور و کارگزار دولتی باشد یا خیر؟ و عبارت «به هر شکلی» اعم است از اینکه به شکل قانونی و یا با امر آمر قانونی بوده باشد یا خیر؟ لذا هر دو واژه به لحاظ برخوردار بودن امکان تفسیر موسّع دارای ابهام می‌باشند.

ماده ۸۰-

^۱ سطر (۳) ماده ۷۴ و سطر (۵) ماده ۷۷- متعلق واژه «یک» و متعلق واژه «سه» از این حیث که معلوم نیست آیا مقصود، روز، هفته، ماه یا سال می‌باشد؟ دارای ابهام است. وجود قرینه هم، چندان کارگشا نمی‌باشد.

^۲ واژه «انتظامی» با توجه به کاربرد آن در قوانین حاکم بر نیروهای نظامی و انتظامی، بهتر است به کلمه «اداری» با توجه به حاکمیت قانون رسیدگی به تخلفات اداری، بدل گردد.

۸۰-۱- بندهای (۱) و (۲) ماده ۸۰- احکام پیش‌بینی شده در بندها، به نظر علاوه بر مغایرت با قاعده شخصی بودن جرم و مجازات، مغایر با «ایجاد امنیت قضائی عادلانه» موضوع بند (۱۴) اصل ۳ قانون اساسی بوده و در صورت خلاف شرع بودن، مغایر با اصل ۷۲ قانون مزبور خواهد بود.

۸۰-۲- بند (۳) ماده ۸۰- تذکر:^۱

۸۰-۳- تبصره ذیل ماده ۸۰- از حیث اطلاق داشتن واژه «متضامناً» و عدم تعیین دقیق میزان مسئولیت هر یک در جبران خسارت، علاوه بر ابهام، به دلیل متضمن اضرار بودن - حسب مورد به هر یک از طرفین حکم -، مغایر با بند (۵) اصل ۴۳ خواهد بود.

ماده ۸۱-^۲

ماده ۸۲-

عبارت «قوانین دیگر» چون اعم است از اینکه قبل یا بعد از تاریخ وقوع جرم به تصویب برسد، دارای ابهام بوده و در صورت مؤخر بودن بر تاریخ وقوع جرم، به جهت عطف بماسبق شدن به گذشته باعث اضرار به محکوم علیه، علاوه بر مغایرت با بند (۵) اصل ۴۳ قانون اساسی در تعارض با اصول دادرسی منصفانه یا عادلانه خواهد بود.

ماده ۸۵-

احاله تعدیل میزان مجازات‌ها (جزای نقدی) به دولت، به نظر مغایر با اصول ۳۶، ۵۷، ۶۱ و ۸۵ قانون اساسی می‌باشد.

فصل دهم - مواد متفرقه

ماده ۸۶-

۸۶-۱- عبارت «اشکال و یا نارسائی در قانون» از حیث نامعین بودن مرجع تشخیص و احراز،

^۱ عبارت «ثابت کند» به نظر می‌رسد با امر «اثبات» که متضمن اقتناع محکمه است متفاوت باشد، لذا شایسته است صدر عبارت حذف و بدین نحو اصلاح شود: «چنانچه اثبات شود که جرم...».

ضمناً چون بند (۳) برخلاف دو بند بالا، متضمن مجازات نبوده، لذا بهتر است تحت عنوان تبصره درج گردد.

^۲ «مطالبه خسارت» اعم است از اینکه از جانب اشخاص حقوقی و حقیقی بخش خصوصی یا اشخاص دولتی باشد (نظیر شورای رقابت، موضوع ماده ۶۸ این لایحه). در صورت اخیر، در اینکه آیا دولت با توجه به حجم کلان دعاوی احتمالی، از پرداخت هزینه دادرسی، ابطال تمبر و... معاف است یا خیر؟ - هر چند که ماده (۸۱) منصرف از موضوع است - حکم ماده، محل تأمل است.

دارای ابهام است.

۸۶-۲- عبارت «با قید یک فوریت» با عنایت به مواد (۱۵۸) لغایت (۱۶۷) قانون آیین نامه داخلی مجلس، ناظر بر تعریف فوریت‌ها و انواع آن، به ویژه مستنداً به ماده (۱۶۳) قانون مزبور، که نفس فوریت‌دار بودن لایحه را مستلزم تصویب مجلس می‌داند، بنابراین عبارت فوق، چون نقض غرض و باعث سلب اختیار بعدی مجلس در امر رسیدگی و احراز فوریت خواهد بود، علاوه بر مغایرت با مواد مزبور، به نظر مغایر با اصول ۵۷، ۶۱ و ۱۲۲ قانون اساسی می‌باشد.

ماده ۸۷-

عموم ماده چون شامل نهادهای زیر نظر معظم رهبری نیز می‌شود واجد ایراد می‌باشد.

ماده ۸۹-

الزام وزارت اقتصاد و دارایی به ارائه گزارش به مجلس به نظر مغایر با اصل ۵۷ قانون اساسی می‌باشد.

مواد الحاقی

ماده الحاقی (۱)

قسمت اخیر تبصره ماده (۱) الحاقی، ناظر بر تکلیف دولت بر پرداخت مابه‌التفاوت قیمت‌ها... از این حیث که در لایحه دولت نبوده، به دلیل تضمّن بار مالی، مغایر اصل ۷۵ قانون اساسی می‌باشد.

ماده الحاقی (۳)

از حیث متضمّن بار مالی بودن، و پیش‌بینی نشدن آن در لایحه دولت، به نظر مغایر اصل ۷۵ قانون اساسی می‌باشد.^۱

ماده الحاقی (۴)

۴-۱- بندهای (الف) و (ب) الحاقی ۴- اخذ نظرات فعالان اقتصادی، چنانچه مستلزم پرداخت وجهی باشد از این حیث که در لایحه دولت نبوده به نظر مغایر با اصل ۷۵ قانون اساسی خواهد بود.

۴-۲- بند (ج) الحاقی ۴- صدر بند از حیث تکلیف قوه قضائیه، به نظر مغایر با اصول ۵۷ و ۶۱

^۱ نماینده دولت در صحن علنی به شرح مندرج در شماره ۳۶۴ مورخ ۱۳۸۶/۷/۲۲ مشروح مذاکرات مجلس با دفاع از موضوع، موافق با پیشنهاد نمایندگان در تصویب ماده (۳) الحاقی بوده است.

شماره: ۳۳۴۸

تاریخ: ۱۳۸۶/۰۷/۲۹

پیوست: ندارد

می باشد همچنین عبارت پایانی بند(ج) از حیث متضمّن بار مالی بودن، به نظر مغایر با اصل ۷۵ قانون اساسی خواهد بود.

۳-۴- بند(د)الحاقی ۴- «تأسیس واحد پایش و پیگیری اجراء...» با عنایت به دولتی بودن اطاقهای مورد اشاره، به نظر تکلیف به تأسیس واحد مزبور، ضمن مغایرت با بند(۱۰) از اصل ۳ قانون اساسی، در مغایرت با بندهای عدیده از سیاست‌های کلی ابلاغی به ویژه بند(۸) از جوابیه مقام معظم رهبری به درخواست ریاست محترم جمهوری خواهد بود. به لحاظ متضمّن بار مالی بودن، به نظر مغایر با اصل ۷۵ قانون اساسی می باشد. / ۸۸۸۸

با اعتذار از اطالۀ کلام

قربانعلی مه‌ری

قائم مقام مرکز تحقیقات